



نقش نیروی انتظامی در ایجاد نظم عمومی در جامعه برای تحقق حقوق شهروندی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۰

صفحه: ۹۶-۱۱۱

ابراهیم دهقانی^۱

چکیده

مسئله تأمین نظم و امنیت عمومی مقوله ای است که در سطح ملی و فراملی به آن توجه شده است. یکی از ارزش ها و شاخص های جامعه مطلوب وجود امنیت و احساس وجود آن در جامعه است. چراکه پیشرفت و اعتلای هر جامعه در گرو فعالیت و خلاقیت شهروندانی است به دور از هر گونه تعدی دیگران باشند. بنابراین امنیت از حیات و فعالیت انسان جدا نبوده و حق داشتن امنیت از جمله حقوق حتمی هر فرد در اجتماع است که این امر خود یکی از بارزترین مولفه های حقوق شهروندی تلقی می شود. با این همه حقوق شهروندی یکی از موضوعات مهم و بحث برانگیز در عرصه های سیاسی و اجتماعی است. به این دلیل که امروزه و در عصر جهانی شدن، مقوله حقوق شهروندان و نحوه برخورد دولت ها و نظام های سیاسی با شهروندان از درجه اهمیت بالایی برخوردار است. در این میان عناصر دولت از جمله نیروی انتظامی که نقش مهمی در ایجاد نظم و امنیت و همچنین ایجاد سازوکاری برای تحقق حقوق شهروندی بر عهده دارند، بسیار مورد توجه هستند. نیروی انتظامی در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز دارای جایگاه مهم و اثرگذاری در عرصه حقوق شهروندی است. به همین دلیل، بررسی بایدها و نبایدهای رفتار نیروی انتظامی که دو وجه رفتار ایجابی و سلبی نیروی انتظامی در جهت حفظ و ارتقای حقوق شهروندی را در بر می گیرد، حائز اهمیت است. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که رفتار و عملکرد اساسی نیروی انتظامی در قبال موضوع حقوق شهروندی شامل چه مواردی است؟ یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که در وجه ایجابی، تلاش برای آموزش آحاد نیروی انتظامی جهت برخورد صحیح و سازنده با شهروندان، برقراری روابط اجتماعی گسترده با اقشار مختلف اجتماعی، تشویق مردم به رفتار قانونمند و همچنین آموزش قوانین و مقررات شهروندی مورد توجه است. در بعد سلبی نیز، ممانعت از ایجاد و برقراری تبعیض، جلوگیری از ایجاد نارسایی های امنیتی به عنوان شاخص جامعه، دفاع از حقوق آسیب دیدگان اجتماعی و نفی روابط شهروندی نابرابر از جمله مواردی است که می تواند جایگاه نیروی انتظامی را در حفظ و تحقق حقوق شهروندی بهبود ببخشد.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، نیروی انتظامی، نظم عمومی، رفتار

^۱ _ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی



مقدمه

حقوق شهروندی یکی از بازمودهای حقوق ابعاد حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. به همین دلیل، در جوامع مختلف و مخصوصاً جوامعی که دخالت های مردم در امور مختلف دیده می شود، حقوق شهروندی از جایگاه مهمی برخوردار است. به طور کلی، در نظامهای سیاسی دموکراتیک که وجه بارزی از مشروعیت حکمرانی آنان بر پایه نظرات و رأی مردم استوار است، حقوق شهروندی بیشتر از نظامهای دیکتاتوری و بسته مورد توجه قرار می گیرد. بنابراین حقوق شهروندی هرچند در تاریخ گذشته و در برخی جوامع دیده می شود، اما می توان ادعا کرد که این پدیده، همزاد دموکراسی و همراه به طرح مسائلی مانند دموکراسی، جامعه مدنی، آزادی های فردی و اجتماعی و حقوق بشر وارد عرصه های سیاسی و اجتماعی شده است. بنابراین حقوق شهروندی، موضوعی نسبتاً جدید و مدرن است که امروزه نیز مورد توجه اغلب نظام های سیاسی قرار گرفته است. ایجاد امنیت عمومی و حفظ آن در جامعه طبق ماده ۳ قانون مصوب نیروی انتظامی بعنوان نخستین هدف تشکیل نیروی انتظامی برعهده این سازمان قرار گرفته است. نیروی انتظامی نیز جهت تحقق این وظیفه سعی نموده است با بکارگرفتن نیروهای متخصص و آموزش دیده اقدام به حفظ امنیت اجتماعی نماید که در واقع رابطه معناداری با تحقق حقوق شهروندی در جامعه دارد. بطوری که مسائل جامعه و راهکار کاهش مشکلات شهروندان آگاهی از حقوق شهروندان و توجه به شیوه های تعمیم آن، خود از موضوعات مهم در سیاستگذاری های اجتماعی، انتظامی و... تلقی می گردد. (موسوی، ۱۳۸۰: ۵۵).

جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یک نظام سیاسی مستقل و دارای ایده حقوق شهروندی خاص خود، موضوع مذکور را به عنوان یکی از پایه های نظام سیاسی مردم سالار خویش در نظر گرفته است. به همین دلیل، حقوق شهروندی در ابعاد مختلف آن، نقش مهمی در تحقق شعارها و آرمان های جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. در این میان، نیروی انتظامی به عنوان نقش آفرینی گسترده خود در زمینه حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران، می تواند نقش مهمی در تحقق یا عدم تحقق این موضوع داشته باشد. نیروی انتظامی از آن جهت که برقراری نظم و امنیت، اجرا و آموزش مقررات و قوانین شهروندی را بر عهده دارد و از طرفی دیگر، مجری قانون نیز محسوب می شود، نقش مؤثری در بهبود و تحقق حقوق شهروندی در جامعه ایرانی دارد. نیروی انتظامی، نیروی نظامی داخلی در ساختار جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود و به دلیل طرح مسائل شهروندی در میان مسائل سیاسی و اجتماعی، بیانگر نگرش برابر، عدالت محور و فارغ از تبعیض های زبانی، قومی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه ایرانی است.

هرچند در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نامی از حقوق شهروندی مطرح نشده است، اما رویه سیاستمداران و دولت های پس از انقلاب حاکی از آن است که موضوع حقوق شهروندی تحت تأثیر گفتمان های مختلف سیاسی، ابعاد مختلفی به خود گرفته است. با این حال، نیروی انتظامی در نظام جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک نهاد مستقل از دولت ها (قوه مجریه مدنظر است)، وظایف و تکالیف خود را در این زمینه بر عهده گرفته است در همین راستا، پژوهش حاضر درصدد است تا جایگاه نیروی انتظامی را در حفظ و تحقق حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار دهد. روش پژوهش حاضر، توصیفی- تحلیلی است که در زمره روش های کیفی به شمار می رود. ساختار مقاله بدین ترتیب است که



ابتدا تعریفی از حقوق شهروندی ارائه می شود؛ سپس روابط و کنشهای نیروی انتظامی و حقوق شهروندی مورد بررسی قرار می گیرد؛ پس از آن، جایگاه نیروی انتظامی در نظام جمهوری اسلامی ایران و حقوق شهروندی بررسی می شود.

مفاهیم و مبانی نظری

امنیت

امنیت در لغت به معنای آسایش و آسودگی خاطر است و به معنای مصون بودن از تعرض نیز بکار می رود. در مورد افراد جامعه، امنیت به این معناست که مردم ترس و واکنش به حقوق و آزادی های قانونی و به حق خود نداشته باشند و تحت هیچ شرایطی این آزادیها و حقوق به مخاطره نیفتد و مورد تهدید واقع نشود. (زنجان، ۱۳۷۳: ۵۴۸)

حقوق شهروندی

اصطلاح شهروندی (Citizenship)، اصطلاحی قدیمی و برگرفته از آموزه های غربی در حقوق یونان باستان است که در مورد ساکنین یونان به کار می رفته و دارای دو درجه بوده؛ یکی شهروند درجه یک که به ساکنان اصلی یونان، و شهروند درجه دو به بزرگان و دیگر افرادی که یونانی نبوده اند اما ساکن یونان بوده اند اطلاق می شد. شهروندی در قدیم به معنای نوعی برتری و امتیاز اقشاری از مردم بر سایر اقشار بوده است و در همین راستا، تعریف شهروندی از دولت شهرهای یونان باستان ارتباط فرد به هر دولت شهر بوده است. زیرا زندگی در دولت شهر، طبیعی انسانی است؛ بدین معنا که طبیعت هم جوهر و عم غایت اوست. طبیعی انسان است، زیرا در بین همه حیوانات، تنها انسان است که سخن می گوید (گای، ۱۳۹۱: ۹۱). با این حال، شهروندان دولت شهرهای یونان خود را با فضیلت ترین انسانها نسبت به سایر اقوام می دانستند و ملت های دیگر را وحشی خطاب می کردند ولی با تشکیل اجتماعات مختلف و اعطای شهروندی به آنها از ادعای برتری خود عقب نشینی کردند و حقوق دیگران را به رسمیت شناختند.

بعدها و در طی زمان، تحولات سیاسی و اجتماعی تأثیرات مهمی بر مفهوم شهروندی گذاشتند و برای مدت های طولانی، در زمان حاکم شدن تفکرات قرون وسطایی، تفکرات مذهبی جانشین نظریه طبیعی درباره حقوق شهروندی شده بود و این مفهوم تا زمان آغاز عصر مدرن و تحولات رنسانس به دست فراموشی سپرده شد. انقلاب فرانسه که همراه خود مضامین و مفاهیم سیاسی و اجتماعی گسترده ای پدید آورد، نقش مهمی در جهانی شدن حقوق شهروندی ایفا کرد. بدین ترتیب باید گفت یکی از مهمترین آثار انقلاب کبیر فرانسه جنبش گرایی به سمت قانون اساسی است که یکی از مهمترین سرچشمه های کنونی حقوق شهروندی است (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۲۹). با گسترش اندیشه های حقوقی و سیاسی به سراسر جوامع غربی، حقوق شهروندی به عنوان یکی از محورهای اساسی تحولات سیاسی مورد توجه قرار گرفت و اغلب انقلاب و اصلاحات دموکراتیک در غرب، آمیخته ای از حقوق شهروندی پیشین در یونان باستان و حقوق شهروندی مدرن را در عرصه های سیاسی و اجتماعی دنبال می کردند.

امروزه و با توجه به تغییرات گسترده سیاسی و اجتماعی، حقوق شهروندی یکی از مبانی فکری دموکراسی و مفاهیم اساسی زندگی دموکراتیک به شمار می رود (بشیریه، ۱۳۸۶: ۲۲۶). بنابراین اغلب جوامع تلاش می کنند تا خود را مدافع حقوق شهروندی نشان دهند و حتی از نوع خاصی از بایدها و رفتار حقوق شهروندی دفاع به عمل بیاورند. حقوق شهروندی از آنجا که در نزد سازمان های بین المللی بسیار مورد توجه است، باعث اقبال عمومی جوامع به سمت آن شده است. در هر صورت



حقوق شهروندی بر دو اصل حق و تکلیف استوار است و یکی از مبانی اصلی حقوق متقابل دولت و مردم در اسلام، اصل حق و تکلیف است. این رابطه یک طرفه نیست و هر دو تکالیف و حقوقی دارند و مبنای حقوق شهروندی را احکام الهی تشکیل می دهد. لذا، شهروندان به دلیل عضویت در یک واحد سیاسی به نام دولت، دارای حقوق و تکالیفی هستند. از این رو، شهروندی، وابستگی شهروند به یک جامعه است و حقوق شهروندی، حقوق و تکالیف شهروند نسبت به جامعه هایی است که به آن تعلق دارد. در هر صورت، شهروند، در نظریه سیاسی نوین، تبعه های سیاسی شناخته می شود که دارای حقوق مدنی (برابری در قانون، آزادی شخصی، آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی ایمان، حق مالکیت و حق بستن قرارداد با دیگران)، حقوق سیاسی (حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق مشارکت در حکومت)، حتی حقوق اجتماعی و اقتصادی است که از دسترسی برابر به تندرستی گرفته تا به مقررات حقوق کار را دربر می گیرد. این حقوق شهروند به مثابه ترجمان یا تبیین حقوق متعلق به هر انسانی، دقیقاً به دلیل انسان بودن اوست (گای، ۱۳۹۱: ۱۵). بدین ترتیب می توان گفت حقوق شهروندی دارای ابعاد متفاوتی است که مهمترین آنان، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی و اقتصادی و حقوق مدنی است. حقوق سیاسی و مدنی به رابطه سیاسی شهروندان و دولت ارتباط پیدا می کند و از دیرباز همراه حقوق شهروندی مطرح شده بود و حقوق اجتماعی - اقتصادی، جنبه های اجتماعی را مدنظر قرار می دهد و در طی دهه های اخیر مورد توجه قرار گرفت. بنابراین با گذر زمان و ایجاد تغییرات سیاسی و اجتماعی، مفهوم شهروندی رو به تکامل نهاد و امروزه نیز مفهوم متمایزی نسبت به دورانه های قبل درباره شهروندی دیده می شود. چنانچه، حقوق اجتماعی و اقتصادی که بین سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۰ میلادی به یکی از اجزای اساسی حقوق شهروندی تبدیل شد و نیز حقوقی است که مقنن برای اتباع خود در روابط با موسسات عمومی مقرر داشته است، حقوق اجتماعی بنا به تعریف فوق اعم از حقوق سیاسی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۲۳۹). بدین ترتیب حقوق شهروندی به عنوان یکی از مؤلفه های اساسی حکمرانی در دوران معاصر دارای ابعاد مختلفی است که ضرورت توجه به آن، هم از سوی نهادهای بین المللی و هم از سوی قوانین اساسی دولت ها مورد توجه قرار گرفته است. بهره مندی شهروندان از حقوق شهروندی تابعی از تحولات سیاسی مختلف است که بیش از همه می تواند تحت تأثیر نهادها و سازمان های داخلی کشورها قرار گیرد. یکی از نهادهای مهم که ارتباط نزدیکی با چگونگی اجرای حقوق شهروندی در جوامع دارد، نیروی انتظامی است که در کشور ما نیز نقش مهمی در این زمینه ایفا می کند.

نیروی انتظامی و حقوق شهروندی در عرصه بین الملل

حقوق شهروندی در جوامع مختلف در ارتباط با سایر نهادها شکل می گیرد و حتی ممکن است نهادها و سازمانهای مرتبط با مقوله حقوق شهروندی، یا موانعی برای اجرای آن باشند و یا این که فرصتهایی برای بهبود و ارتقای آن فراهم سازند. یکی از این نهادها، نیروی انتظامی است که در کشورهای مختلف با عنوان نیروی نظامی و حافظ نظم و امنیت شناخته می شود. به طوری که به مرور زمان و نهادینه شدن اندیشه دولت ژاندارم، تعهد ایجابی دولت ها به انجام وظایف پلیسی مدنظر قرار گرفت و از این رو، تأمین امنیت به عنوان ملاک بررسی اعمال حکومتها میزان شایستگی ها رضایتمندی از هر دولتی را مشخص می کرد. اما رفته رفته پس از تبعات جنگ جهانی اول، اندیشه سلبی تأمین امنیت به اندیشه های ایجابی تبدیل شد و بر این اساس، تأمین امنیت نه تنها در حوزه امنیت سخت معنا می یافت، بلکه جنبه های مختلف تأمین امنیت در اجتماع از



جمله امنیت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی رخ نمایی کرد و معنای موسعی از آن ملاک نظر بر اعمال دولتها از جنبه امنیت مداری قرار گرفت؛ تا آنجا که پس از طرح نظریه زمامداری از دهه ۱۹۸۰ میلادی و با اعمال نفوذ برخی نهادهای قدرتمند بین المللی، توجه اولیه و اساسی دولت ها به ایفای نقش امنیتی محدود شد (رضایی و بالایی، ۱۳۹۵: ۱۱۶). همین نقش در جامعه ایرانی نیز برای نهاد پلیس که در قالب نیروی انتظامی شناخته می شود، قابل تعمیم است. زیرا نهاد مزبور، نقش امنیتی منحصر به فردی دارد و اغلب در حوزه های داخلی، به عنوان یک نهاد امنیتی و تأمین کننده نظم و امنیت و به طور کلی به عنوان ضابط دستگاہ های قضایی کشور شناخته می شود.

سازمان ملل متحد در نظامنامه خود در سال ۱۹۴۹ میلادی وظایفی را برای نیروهای نظامی در نظر گرفت که بیش از هرچیز بر توجه این نهاد به حقوق شهروندی و رعایت حقوق مردمان آن دیار تأکید می کند. مطابق مصوبه سازمان ملل؛ در همه اوقات، مأموران نیروی انتظامی وظایف محوله خود را با خدمت به جامعه و حفاظت از کلیه اشخاص علیه اعمال غیرقانونی و منطبق با میزان زیادی از مسئولیت که لازمه حرفه شان است، ایفا مینمایند (نظامنامه رفتار مأموران نیروی انتظامی مصوبه سازمان ملل، ۱۹۴۹: ۱). بنابراین وظیفه نیروی نظامی نظیر نیروی انتظامی، حفاظت از اشخاص و حقوق آنان در برابر تعدی هایی است که ممکن از سوی شهروندان، دولت و حتی نیروی دیگری بر آنان اعمال شود. همچنین در ماده ۲ این مصوبه چنین آمده است: «مأموران نیروی انتظامی در اجرای وظایف شان، شأن و کرامت انسانی را محترم شمرده و از آن حراست نموده، و حقوق بشر کلیه اشخاص را حفظ و ارتقاء خواهد نمود» (نظام نامه رفتار مأموران نیروی انتظامی مصوبه سازمان ملل، ۱۹۴۹: ۱).

اصول مزبور از نهاد نیروی انتظامی می خواهد که حافظ کرامت انسان ها باشند و نه تنها از تعرض به حقوق شهروندان پرهیز نمایند، بلکه حامی و مدافع شهروندان در مواقع ضروری از جمله ظلم و تبعیض در حق آنان باشند

نیروی انتظامی و حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران

نیروی انتظامی به عنوان یک نهاد داخلی در جمهوری اسلامی ایران که اهم وظایف آن در داخل کشور و مسئولیت برقراری نظم و امنیت داخلی است. به همین دلیل، شهروندان به عنوان اعضای جامعه ایران، ارتباط همه جانبه ای با این نهاد دارند و اغلب فعالیت های اجتماعی شهروندان به نوعی با نیروی انتظامی در ارتباط است. بنابراین باید نقش نیروی انتظامی و حقوق شهروندی را در جامعه ایران به طور متعامل و متقابل نگریست و از وظایف و نقش نیروی انتظامی در حمایت از حقوق شهروندی سخن گفت. به طور مشخص، اصل ۱۵۶ قانون اساسی که درباره وظایف قوه قضاییه است، به وضوح نقش نیروی انتظامی را به عنوان ضابط دستگاہ قضایی توضیح می دهد. در این اصل چنین بیان می شود:

قوه قضاییه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

- 1- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم لازم در آن قسمت از امور حسیه، که قانون معین می کند؛
- 2- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع؛



3- نظارت بر حسن اجرای قوانین؛

4- کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام؛

5- اقدامات مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین (اصل ۱۵۶ قانون اساسی).

بدین ترتیب، نیروی انتظامی به عنوان ضابط دستگاه های قضایی وظایف گسترده و معینی در زمینه فعالیت های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مدنی شهروندان بر عهده دارد و در این راستا، چگونگی رابطه این نهاد با شهروندان تا حدود زیادی می تواند بر کم و کیف حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران بسیار مؤثر باشد. بدین ترتیب، انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضاییه بر عهده نیروی انتظامی محول است از قبیل:

1- مبارزه با مواد مخدر

2- مبارزه با قاچاق کالا

3- مبارزه با منکرات فساد

4- پیشگیری از وقوع جرم

5- کشف جرائم

6- بازرسی و تحقیق

7- حفظ آثار و دلایل جرم

8- دستگیری متهمان و مجرمان و جلوگیری از فرار و پنهان شدن آن ها

9- اجرا و ابلاغ احکام قضایی

10- نظارت همگانی ۱۹۷

11- ایجاد پلیس زن

مجموعه قوانین فوق، تأکید بر پیشگیری از جرایم در جامعه دارد که کلیه دستگاهها و نهادهای مرتبط با نظم و امنیت اعم از پلیسی و غیرپلیسی در جامعه موظف به تلاش و به کارگیری توان خود جهت پیشگیری از جرم شده اند که در زمینه تعامل مناسب نیروی انتظامی با این دستگاهها مربوط می شود (کرم زاده و عرفانی، ۱۳۹۶: ۹۴). در وجه ایجابی نیز، نیروی انتظامی با حمایت از شهروندان، آموزش آنان در زمینه یادگیری و اجرای قانون و همچنین ایجاد زیرساخت های لازم برای آموزش قوانین شهروندی، نقش مؤثری در زمینه حفظ و ارتقای حقوق شهروندی بر عهده دارد.

از طرفی دیگر، حقوق شهروندی به عنوان یک موضوع نسبتاً جدید در ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی ایران، دارای بایدها و نبایدهایی است که به همین دلیل وظایف خاصی را برای نیروی انتظامی به عنوان نیروی نظامی ایجاب می کند. بدین معنا که رفتار نیروی انتظامی با شهروندان، دارای بایدها و نبایدهایی که اعمال ایجابی و سلبی نیروی انتظامی را نشان می دهد. در زمینه حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۳۸۳، قانون «احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به تصویب مجلس رسید و به نام بخشنامه حقوق شهروندی در قوه قضاییه دستور کار واحدها گردید. در چارچوب قانون «احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» بسیار تلاش شده است تا با توجه به نارسایی ها،

پیچیدگی هایی که در نظام قضایی کشور وجود دارد از حقوق شهروندان در برابر نهادهای قضایی و ضابطان دادگستری پاسداری شود. تدوین این قانون اقدامی است در راستای از میان بردن تعارضات احتمالی به حقوق شهروندان که در آن بر مواردی تأکید شده که با موازین حقوق بشر و اصول قانون اساسی ایران هماهنگی دارد (فیروزیان حاجی، ۱۳۹۷: ۱۷۷). همچنین پس از این مصوبه، مصوبه و اعلامیه دیگری تحت عنوان منشور حقوق شهروندی در سال ۱۳۹۵ به تصویب رسید که در ۱۲۰ ماده به تشریح ابعاد حقوق شهروندی، ضوابط و شرایط آن، نحوه رفتار و تعامل دستگاهها و سازمانهای مختلف با شهروندان از جمله نیروی انتظامی را در بر می گیرد. قانون مزبور با عنوان «منشور حقوق شهروندی» شناخته میشود که اصول آن برگرفته از قانون اساسی، طرح ۸ ماده ای امام خمینی (ره) درباره صیانت از حقوق شهروندی و تحولات جهانی ناشی از ارتباطات و اطلاعات است.

آنچه در زمینه رعایت حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران بیان می شود، به وضوح وظایفی را برای دستگاه ها و نهادهای مختلف از جمله نیروی انتظامی تعیین می کند که براساس آن، رفتارها و اعمال خود را در چارچوب حقوق شهروندی تنظیم نمایند. به عنوان مثال در ماده ۶۰ منشور حقوق شهروندی نیز چنین بیان شده است:

«شهروندان (اعم از متهم، محکوم و قربانی جرم) از حق امنیت و حفظ مشخصات هویتی شان در برابر مراجع قضایی، انتظامی و اداری برخوردارند و نباید کمترین خدشه ای به شأن، حرمت و کرامت آن ها وارد شود؛ هرگونه رفتار غیرقانونی مانند شکنجه جسمی یا روانی، اجبار به ادای شهادت یا ارایه اطلاعات، رفتار توأم با تحقیر کلامی یا عملی، خشونت گفتاری یا فیزیکی و توهین به متهم یا محکوم، نقض حقوق شهروندی است و علاوه بر این که موجب پیگرد قانونی است، نتایج حاصل از این رفتارها نیز قابل استناد علیه افراد نیست» (منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۵: ۸).

رفتار و عملکرد نیروی انتظامی و حقوق شهروندی

رفتار و عملکرد نیروی انتظامی در حوزه حقوق شهروندی شامل طیفی از بایدها و نبایدها است که روی هم رفته حقوق شهروندی را تشکیل می دهند. بنابراین برای بررسی جایگاه نیروی انتظامی در حفظ و ارتقای حقوق شهروندی می بایست به این بایدها و نبایدها توجه نشان داد. از طرفی دیگر، وظایف نیروی انتظامی در جامعه، حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در بر می گیرد و به دلیل گسترش مقوله شهروندی به حوزه های گوناگون، می بایست به ابعاد مختلف آن توجه نمود.

بایدهای رفتار نیروی انتظامی در حوزه حقوق شهروندی

نیروی انتظامی در جمهوری اسلامی ایران، سازمانی برای ایجاد امنیت و دستیابی شهروندان به حقوق خاص آنان است. در این زمینه می توان مسأله انتخابات و حضور مردم در صحنه های مختلف سیاسی و اجتماعی را مثال زد که بدیهی ترین حقوق شهروندی محسوب می شود و نیروی انتظامی نیز در طی سالهای گوناگون با فراهم کردن زمینه برای حضور مردم در صحنه های انتخابات از حقوق شهروندان دفاع به عمل می آورد. انتخابات و حضور مردم در صحنه های سیاسی، بارزترین نوع حقوق شهروندی است که نیروی انتظامی به عنوان یکی از دستگاههای درگیر در این موضوع، نقش مهمی را ایفا کرده است. همچنین، انتخابات در کنار دیگر سازوکارهای مشارکت مردم به صورت انفرادی، جمعی، یا گروهی یا صنفی، همچنان مهمترین، بارزترین و قابل اندازه گیری ترین نوع مشارکت افراد در عرصه سیاسی است. انتخابات از یک



سو، پایه های اجتماعی قدرت سیاسی و اخلاق اجتماعی شهروندی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، ملاک خوبی برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه است. مطالعه انتخابات و مشارکت انتخاباتی، چگونگی ارتباط متقابل جامعه و دولت را به نمایش می‌گذارد و به همین دلیل، از مهمترین و جذاب ترین مباحث جامعه شناسی سیاسی به شمار می‌رود (عیوضی، ۱۳۸۸: ۱۵۷). حمایت نیروی انتظامی از شهروندان و فراهم کردن زمینه ها برای حضور آنان در عرصه های انتخابات در مراحل مختلف مشارکت سیاسی انجام می‌شود و از این طریق یکی از مهمترین ابعاد حقوق شهروندی یعنی حفظ کرامت و ارزش شهروندان تحقق می‌یابد. بنابراین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ضمن اعلام کرامت و ارزش والای انسانی بعنوان یکی از مبانی و پایه های نظام جمهوری اسلامی (اصل دوم)، دولت را از جمله موظف کرده است که محیط مناسبی برای رشد فضایل اخلاقی ایجاد کند؛ سطح آگاهی های عمومی را بالا برد؛ زمینه هرگونه استبداد و خودکامگی را محو کند و با رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه، بستر لازم برای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش را فراهم کند (اصل سوم). با توجه به نقش دین در اداره امور جامعه و مشروعیت حکومت در نظام مردم سالار دینی، حقوق شهروندی بر پایه کرامت اکتسابی ارتباط وثیقی با دین مداری پیدا می‌کند (حبیب زاده و فرچپور، ۱۳۹۵: ۱۲۶). ضمن این که نیروی انتظامی بعنوان یکی از دستگاه های زیرمجموعه نظام جمهوری اسلامی ایران، با تلاش مستمر و ایجاد سازوکارهای لازم برای امنیت انتخابات و مشارکت شهروندان در حوزه های مختلف سیاسی، نقش پررنگی در به ثمر نشستن حقوق شهروندی ایفا می‌کند. ضمن این که اصل عدم دخالت نیروی انتظامی در انتخابات، ضامنی برای امنیت و صیانت از رأی مردم در انتخابات متعدد است.

علاوه بر حوزه های سیاسی و اجتماعی، نیروی انتظامی در چارچوب حفظ و ارتقاء حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران، نقش مهمی در توسعه اقتصادی زندگی شهروندان بر عهده دارد. بدین معنا که تأمین امنیت به عنوان مهم ترین وظیفه نیروی انتظامی به نوبه خود نوعی حمایت از سرمایه گذاری، اشتغال، ثبات شغلی و توسعه پایدار است که در نهایت منافع آن عاید شهروندان می‌گردد. بدین ترتیب در دفاع از وظیفه نیروی انتظامی در حوزه های اقتصادی شهروندی باید گفت امنیت اقتصادی و رفاه عمومی، جزء حقوق شهروندان محسوب شده و از معیارهای لازم برای توسعه یافتگی کشورها به شمار می‌رود (عبدالملکی، ۱۳۸۸: ۶). از این رو، شاید بتوان با تنقیح مناط تمام احکامی را که در فقه اسلامی برای حفظ جان مسلمانان بیان شده است در رابطه با حفظ امنیت اقتصادی آنان نیز به کار بست؛ بنابراین حاکم اسلامی در مقام اداره اقتصاد جامعه اسلامی برای حفظ امنیت اقتصادی آن میتواند با تهدیدکنندگان این امنیت چه در داخل و چه در خارج از مرزهای جامعه اسلامی به مقابله پردازد. چنین به نظر می‌رسد که اتکا به نظریات ایجابی امنیت در حوزه تأمین امنیت اقتصادی می‌تواند زمینه ساز الگوی راهبردی مناسبی برای دفع تهدید اقتصادی باشد (رضایی و بالایی، ۱۳۹۶: ۱۱۴). این وظیفه دشوار در ساختار سیاسی ایران بر عهده نیروی انتظامی گذاشته شده است. بنابراین نیروی انتظامی می‌تواند با بهره گیری از سازوکارهای خاص خود، زمینه های لازم برای ایجاد امنیت اقتصادی و در نهایت حقوق شهروندان را فراهم آورد. به عبارتی دیگر، ایجاد امنیت در حوزه های گوناگون به عنوان زیربنای حقوق شهروندی شناخته می‌شود و تا زمانی که امنیت در حوزه های مختلف آن برای شهروندان ایجاد نشود، نمی‌توان سایر مؤلفه های حقوق شهروندی را بدست آورد.



نیروی انتظامی در زمینه احقاق حقوق شهروندان به ابزارهای متعددی متوسل می شود که با توجه به اهمیت و اثربخشی آموزش شهروندان و تأثیرات آن بر ایجاد آگاهی، می توان بر مسأله آموزش حقوق شهروندی از سوی نیروی انتظامی تأکید نمود. بدین ترتیب، یکی از مؤثرترین راهکارهای رفع چالش نیروی انتظامی در زمینه حقوق شهروندی را باید در این از آموزش جست و جو کرد. اگر نیروی انتظامی به اقتضای وظیفه ای که بر عهده دارد، افراد زیرمجموعه خود، به ویژه کارکنانی را که ارتباط مستقیم با شهروندان دارد و احتمال نادیده گرفتن حقوق شهروندی از جانب ایشان می رود، با حقوق شهروندان آگاه کرده و لزوم احترام به این حقوق را به ایشان یادآور شود، کمتر شاهد تضييع حقوق شهروندی از جانب زیرمجموعه خود خواهد بود (علیدوستی، ۱۳۸۸: ۵۳).

قسمت عمده چالشهای نیروی انتظامی با شهروندان، در ایفای نقش نیروی انتظامی به عنوان ضابط قضایی بروز می کند. حقوق شهروندی، که به عنوان متهم در اختیار نیروی انتظامی قرار می گیرد، محل چالش است. از یک سو، متهم و حتی مجرم، دارای حقوق ویژه ای است که برآمده از حقوق شهروندی است. از سوی دیگر، متهم ممکن است مجرم نباشد و نمی توان به صرف اتهام شخص، حقوق شهروندی وی را نادیده گرفت. برای شناسایی و صیانت از حقوق شهروندی متهم که باید از سوی نیروی انتظامی مورد ملاحظه قرار گیرد، می بایست به قوانین لازم الاجرائی که در این خصوص تصویب شده است، مراجعه کرد (علیدوستی، ۱۳۸۸: ۶۰).

در حوزه مسائل اجتماعی و قضایی نیز، نیروی انتظامی در ساختار جمهوری اسلامی ایران نقش آفرینی می کند و از این جهت نیز می تواند، ضامنی برای تحقق حقوق شهروندان تلقی شود. همین بخش از وظایف نیروی انتظامی مورد توجه گسترده است. بدین معنا که حوزه های قضایی حوزه های مهمی هستند که می توانند مانع و یا زمینه ساز آزادی های مدنی و اجتماعی شهروندان تلقی شوند و از این رو اهمال در انجام این وظیفه می تواند نیروی انتظامی را ناقص حقوق شهروندان قلمداد نماید. همچنین در حوزه مسائل قضایی، متهم با جامعه و مقام قضایی نیز در ارتباط است و رفتار هر کدام از این گروهها بر رفتار و واکنش دیگر عناصر تأثیر مثبت یا منفی، مستقیم یا غیرمستقیم دارد. ضابطین (نیروی انتظامی) از طریق اطلاع رسانی و آموزش همگانی می توانند افراد را از درون و باطن نسبت به پایبندی به قوانین و مقررات، ترغیب، تفکر و رفتارهای قانون مدارانه را نهادینه نمایند. به گونه ای که هریک از آحاد جامعه ضمن التزام عملی به رعایت قوانین و هنجارهای اجتماعی، دیگران را نیز از ارتکاب اعمال خلاف قانون و هنجارشکنانه در چارچوب امر به معروف و نهی از منکر و رعایت حقوق شهروندی منصرف و با این نوع مشارکت، نیروی انتظامی خود فراهم کننده زمینه امنیت و آرامش اجتماعی پایدار باشند (نظیفی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۸۵). بنابراین نقش نیروی انتظامی به عنوان ضابط دستگاه قضایی در حوزه حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران می تواند بر تحقق دستاوردهای حقوق شهروندی مؤثر واقع شود. این برنامه نیز مورد تأکید نظام نامه نیروی انتظامی مصوب سازمان ملل متحد نیز می باشد. جایی که بیان می کند:

«خدمت به جامعه به این نیت است که ارائه خدمات به ویژه شامل آن دسته از اعضای جامعه گردد که به دلیل شخصی، اقتصادی، اجتماعی و یا سایر ضروریات نیازمند کمک فوری هستند» (نظام نامه رفتار مأموران نیروی انتظامی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۹۴۹: ۱).



همچنین در وجه ایجابی نیز نیروی انتظامی و رسانه ها در عصر کنونی می توانند به گونه ای عمل کنند که زمینه ساز تعامل و ایجاد امنیت میان شهروندان گردند. بنابراین حوزه های دیگری نظیر رسانه ها و شبکه های اجتماعی وجود دارند که می توانند با آموزشهای نیروی انتظامی زمینه ساز تحقق حقوق شهروندان گردند. ضمن این که در این حوزه، حفظ و صیانت از مسائل و زندگی شخصی شهروندان بسیار حائز اهمیت است. امری که امروزه توسط پلیس ایران (پلیس فتا) دنبال می شود. بنابراین، در مورد تأثیرات رسانه ها بر احساس امنیت به نظر می رسد میزان تأثیر نمایش دادن خشونت و همچنین ارتباطاتی که قادرند با توجیه خشونت، ارزش های مخاطبان را تغییر داده و یا تقویت نمایند، حائز بیشترین اهمیت می باشد. در درون هر یک از این طبقه بندی های وسیع، انواع بسیار متفاوتی از خشونت و شیوه های متفاوت و بی شماری وجود دارد که خشونت می تواند بر طبق آن ها ارائه و تصویر گردد. اموری از قبیل شیوه به تصویر درآمدن حوادث خشونت بار، قالب ارزشی، وجود یا فقدان جنبه های زیبایی و میزان واقعگرایی و ... می توانند تفاوت های بسیار زیادی را در واکنش های مخاطبان در برابر به تصویر کشیدن اقدامات خشونت بار ایجاد نمایند (کرمزاده و عرفانی، ۱۳۹۶: ۹۲).

نبایدهای نیروی انتظامی در حوزه حقوق شهروندی

اعمال سلبی نیروی انتظامی در حوزه حقوق شهروندی نیز بسیار متنوع و گسترده است. بنابراین در کنار رفتارهای ایجابی نیروی انتظامی در زمینه حقوق شهروندی می توان از «نبایدها»ی نیروی انتظامی نیز به عنوان موضوعی مهم در زمینه حقوق شهروندی یاد کرد. نبایدها شامل آن دسته از اقدامات سلبی نیروی انتظامی است که انجام ندادن آنان و یا عدم دخالت و ورود نیروی انتظامی به این حوزه ها به شکل مطلوب تری می تواند باعث تحقق حقوق شهروندی گردد. این موضوع در نظامنامه مأموران نیروی انتظامی مصوب سازمان ملل نیز مورد تأکید قرار گرفته است و حفظ کرامت انسانی بعنوان اصلی اساسی بدینگونه بیان شده است:

«مأموران نیروی انتظامی در اجرای وظایفشان، شأن و کرامت انسانی را محترم شمرده و از آن حراست نموده، و حقوق بشر کلیه اشخاص را حفظ و ارتقاء خواهد نمود» (نظام نامه رفتار مأموران نیروی انتظامی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۹۴۹: ۱).

منشور حقوق شهروندی ضمن بهره گیری از اصول قانون اساسی، نقش نیروی انتظامی و سایر ضابطین دستگاه های قضایی را به عنوان ضامن حقوق شهروندی بیان می کند و به صورت واضح اعلام می کند که دخالت در حوزه حریم خصوصی شهروندان، منافی اصل حقوق شهروندی و از بین برنده آن است. چنان چه بیان می کند: «هر شهروندی از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید در چارچوب حدود مقرر در قانون اعمال شود، شهروندان حق دارند، نظرات و اطلاعات راجع به موضوعات مختلف را با استفاده از وسایل ارتباطی، آزادانه جستجو، دریافت و منتشر کنند. دولت باید آزادی بیان را به طور خاص در عرصه های ارتباطات گروهی و اجتماعی و فضای مجازی از جمله روزنامه ها، مجله، کتاب، سینما، رادیو، تلویزیون و شبکه های اجتماعی و مانند اینها طبق قوانین تضمین کند» (منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۵: ۴).

در زمینه امنیت در حوزه های مختلف نیز منشور حقوق شهروندی در ماده ۱۳ خود چنین بیان می کند: «هر شهروندی حق دارد از امنیت جانی، مالی، حیثیتی، حقوقی، قضایی، شغلی، اجتماعی و نظایر آن برخوردار باشد. هیچ مقامی نباید به نام تأمین



امنیت، حقوق و آزادی های مشروع شهروندان و حیثیت و کرامت آنان را مورد تعرض و تهدید قرار دهد. اقدامات غیرقانونی به نام تأمین امنیت عمومی به ویژه تعرض در حریم خصوصی مردم ممنوع است» (منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۵: ۳). این اصل در نظامنامه مورد تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز مورد تأکید قرار گرفته است و درباره حریم خصوصی شهروندان با قاطعیت بیان شده است که دخالت های خودسرانه نیروهای نظامی به هر بهانه ای نمی تواند باعث تحقق حقوق شهروندی گردد. چنان چه به صراحت بیان شده است: «هیچ مأمور نیروی انتظامی عمل شکنجه یا سایر رفتار ظالمانه، غیرانسانی یا موهن یا تنبیه را تحمیل، تحریک و یا تحمل نخواهد کرد. مأمور نیروی انتظامی به دستورات مافوق یا شرایط خاص از قبیل وضعیت جنگ یا تهدید به امنیت ملی، بی ثباتی سیاسی داخلی، هر وضعیت اضطراری عام به منزله توجیه یا دیگر رفتار ظالمانه غیرانسانی یا موهن دیگر یا تنبیه استناد نخواهد کرد» (نظام نامه رفتار مأموران نیروی انتظامی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۹۴۹: ۱). رفتار نیروی انتظامی و سایر دستگاه های مرتبط با امنیت و حقوق شهروندان به خوبی در طرح هشت ماده ای امام خمینی (ره) بیان شده است. به عبارتی می توان گفت طرح هشت ماده ای امام خمینی (ره) درباره نحوه روابط دستگاه های مسئول با شهروندان می تواند به عنوان سند حقوق شهروندی قابل طرح باشد. نظرات و دیدگاه های امام خمینی (ره) در این زمینه می تواند به عنوان نقشه راهی برای تحقق حقوق شهروندی در نظر گرفته شود. در این زمینه امام خمینی (ره)، همه دستگاه های مسئول را به رعایت اصل عدالت و تبعیت از قانون دعوت می کند و از انجام اعمال فراقانونی بر حذر می دارد. جایی که بیان می کنند:

«آقایان قضات واجد شرایط اسلامی، چه در دادگستری و چه در دادگاه های انقلاب باید با استقلال و قدرت بدون ملاحظه از مقامی احکام اسلام را صادر کنند، و در سراسر کشور بدون مسامحه و تعویق به کار پر اهمیت خود ادامه دهند. و مأمورین ابلاغ و اجرا و دیگر مربوطین به این امر باید از احکام آنان تبعیت نمایند تا ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار، احساس آرامش قضایی نمایند، و احساس کنند که در سایه احکام عدل اسلامی جان و مال و حیثیت آنان در امان است. و عمل به عدل اسلامی مخصوص به قوه قضاییه و متعلقات آن نیست، که در سایر ارگانهای نظام جمهوری اسلامی از مجلس و دولت و متعلقات آن و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته ها و بسیج و دیگر متصدیان امور نیز به طور جدی مطرح است و احدی حق ندارد با مردم رفتار غیر اسلامی داشته باشد» (امام خمینی، فرمان هشت ماده ای، ۱۳۶۸: ماده سوم). علاوه بر این، دیدگاه های امام خمینی (ره) در طرح هشت ماده ای، باعث ممانعت از رفتارهای هنجارشکنانه از سوی دستگاه های مسئول می شود و از این رو، وارد شدن به حریم خصوصی شهروندان با هر عذر و بهانه ای قابل توجیه نیست. چنان چه ایشان می فرمایند:

«هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن ها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد، و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده و لو برای یک نفر فاش کند. تمام این ها جرم گناه است و بعضی از آن ها چون اشاعه فحشا و گناهان از



کبایر بسیار بزرگ است، و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می باشد» (امام خمینی، فرمان هشت ماده ای، ۱۳۶۸: ماده ششم). بیانات فوق به خوبی نشان می دهد که نیروی انتظامی می بایست برای رعایت حقوق شهروندان از انجام اعمالی که مداخله در حریم خصوصی شهروندان محسوب می شود، پرهیز کند. این موضوع به خوبی می تواند نقشه راهی برای نیابدهای نیروی انتظامی در حوزه حقوق شهروندی تلقی شود و زمینه هایی برای تحقق حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران را فراهم سازد. بنابراین، بازرسی ها و معاینات محلی، برای دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جاسوسی براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احترام انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی با جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه ها و نوشته ها و عکسهای فامیلی و فیلم های خانوادگی و ضبط بی مورد آنها خودداری گردد (علیدوستی، ۱۳۸۸: ۶۳).

فرمایش امام خمینی (ره) در زمینه حراست از حریم خصوصی شهروندان بیانگر آن است که نیروی انتظامی به عنوان یکی از ارگان های حفظ و حمایت از حقوق شهروندی می تواند نقش سازنده ای در ایجاد اعتماد اجتماعی و در نهایت ساختن حقوق شهروندی داشته باشد. بنابراین اصل امنیت درونی، نیازمند تعامل دستگاه های مسؤول و شهروندان است که بر پایه آن، زمینه های لازم برای رشد و شکوفایی فردی و جمعی فراهم می شود. به تعبیر امام خمینی (ره): «باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی است احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند، و اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان خود بدانند، و قوه قضاییه را در دادخواهیها و اجرای عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند، و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته ها را موجب آسایش و امنیت خود و کشور خود بدانند. و این امور بر عهده همگان است، و کار بستن آن موجب رضای خداوند و سعادت دنیا و آخرت می باشد، و تخلف از آن موجب غضب خداوند قهار و عذاب آخرت و تعقیب و جزای دنیوی است» (امام خمینی، فرمان هشت ماده ای، ۱۳۶۸: ماده هشتم).

اصول و دستور العمل های فوق در کنار اصول قانون اساسی به خوبی بیانگر این مطلب است که تحقق حقوق شهروندی نیازمند رفتارهای مدبرانه نیروی انتظامی است که به نوبه خود می تواند قانون را به جای تصمیم گیری های شخصی بنشاند و از مداخله در امور خصوصی شهروندان جلوگیری نماید. این موضوع حتی می تواند در مسائل ریزی نظیر بازداشت و نحوه برخورد با متهمان و محکومان نیز خود را نشان دهد. به عنوان مثال، کشف و تعقیب جرائم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می بایست مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلیقه شخصی و سوءاستفاده از قدرت یا اعمال هرگونه خشونت یا بازداشت های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود. (علیدوستی، ۱۳۸۸: ۶۳). ضمن این که در چنین شرایطی و قبل از این که برخوردی با متهمان و محکومان انجام شود، اصل بر «برائت» است و این رویکرد به خوبی می تواند حامی حقوق شهروندان در زمینه مسائل قضایی و اجتماعی باشد. اصل برائت به خوبی امکانی برای شهروندان فراهم می آورد که در چارچوب آن بتوانند از حقوق و مطالبات خود دفاع به عمل آورند. به نظر می رسد نیروی انتظامی به عنوان ضابط دستگاه قضایی می بایست چنین اصلی را به خوبی مدنظر قرار دهد. با توجه به اینکه دولت از تمام امکانات و ابزارهای قدرت و زور برخوردار است و عدم کنترل آن

ممکن است موجب بروز مفسده و سوءاستفاده از قدرت گردد، لذا به منظور ایجاد توازن بین موقعیت افراد جامعه و شهروندان با ابزار و امکانات اعمال قدرت حاکمه، وجود اصول حقوقی چون اصل برائت در دفاع از افراد و شهروندان جامعه در مقابل حاکمیت و قدرت عمومی، ضروری به نظر می رسد (فیروزیان حاجی، ۱۳۹۷: ۱۷۵). در هر صورت باید گفت تحقق حقوق شهروندی توسط نیروی انتظامی نیازمند رعایت اصول و شرایطی است که هم در حوزه های ایجابی و هم در حوزه های سلبی نیازمند تعامل نیروی انتظامی و شهروندان است و اصل عدم مداخله و آموزش شهروندان می تواند پایبندی دو طرف را به قوانین مطروحه در این زمینه نشان دهد. بنابراین با توجه به وضعیت فعلی نیرو و امکانات ناجا، نحوه تابعیت و پاسخگویی ضابطین به دستورات و خواسته های مقام قضایی و سلسله مراتب فرماندهی، افزایش تعامل بین نیروی انتظامی و قوه قضاییه، تدوین شیوه نامه جمعی به منظور پیشگیری از تداخل ایفای نقش ضابطی با نقش سازمانی و حفظ شأن و امنیت شغلی ضابطین و کنترل و نظارت کیفی و هوشمند بر عملکرد ضابطین با توجه به حجم و تنوع وظایف و مأموریت های محوله به آنان، آسیب ها و تهدیدات شغلی و توطئه های دشمنان جمهوری اسلامی با رویکرد رأفت و رحمت، آموزش و پیشگیری به صورت قانونمند و به دور از حب و بغض و اعمال سلیقه، امری بدیهی و ضروری می باشد (نظیفی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۹۰). بنابراین اصول مندرج در قانون اساسی، طرح هشت ماده ای امام (ره)، مصوبه مجلس در سال ۱۳۸۳ در حفظ و صیانت از حقوق شهروندی، منشور حقوق شهروندی در سال ۱۳۹۰ همگی می توانند ضامنی برای تحقق حقوق شهروندی تلقی شوند که بیش از هر چیز وظایف دشوار و حساسی را برای نیروی انتظامی به عنوان ضابط دستگاه قضایی و برقرار کننده نظم و امنیت در جامعه معین میکند.

نتیجه گیری

حقوق شهروندی دربرگیرنده حقوق مدنی و اجتماعی شهروندان درمقابل دوت است که با توجه به اختصاص های اجتماعی، فرهنگی، ایدئولوژیکی و اقتصادی درهر جامعه ای در جامعه ای با جامعه دیگر تغییر می کند. یکی از مسائل حقوق شهروندی امنیت اجتماعی پایدار است که دولت و مردم باید در تحقق آن تلاش لازم را بعمل آورند. در این راستا نیروی انتظامی می تواند با عملکرد مطلوب این امر مهم را محقق نماید در واقع حقوق شهروندی از مهمترین مسائل در عصر جدید محسوب می شود که حتی امروزه به عنوان یکی از معیارهای اساسی در میزان دموکراتیک بودن و غیردموکراتیک بودن نظام های سیاسی به کار گرفته می شود. به عبارتی دیگر، حقوق شهروندی میزانی برای پایبندی نظام های سیاسی به قوانین و مقررات حقوق شهروندی در حوزه های مختلف محسوب می شود. در همین زمینه، حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران نیز بسیار مورد توجه است. به این دلیل که نظام جمهوری اسلامی با معرفی الگوی خاصی از الگوی مردم سالاری دینی و ضرورت پرداختن به نیازهای مادی و معنوی شهروندان در جامعه اسلامی، توجه ویژه ای به این مسأله نموده است. بررسی مقاله حاضر نشان می دهد که حقوق شهروندی به طور خاص در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیامده است. اما این موضوع به معنای نادیده گرفتن این مسأله مهم نیست. چنان چه برخی اصول قانون اساسی به صراحت از آزادی های شخصی، اجتماعی و حفظ حریم خصوصی مردم و همچنین ضوابط معین برای رابطه دستگاههای مسؤول و آحاد ملت سخن به میان آورده اند که به نوبه خود اصول معینی برای حقوق شهروندی نیز محسوب می شوند. بنابراین برای رعایت اصول



حقوق شهروندی توسط نیروی انتظامی به عنوان یکی از دستگاہهای مهم و البته مهم ترین آن، نیازمند توجه به این اصول هستیم. ضمن این که در کنار اصول مزبور، طرح هشت ماده‌های امام خمینی (ره) می‌تواند نقشه راه مهمی برای مشخص شدن روابط و تعامل نیروی انتظامی و شهروندان در حوزه حقوق شهروندی تلقی شود و از نقض حقوق شهروندان جلوگیری نماید. علاوه بر این، تصویب مصوباتی در زمینه حقوق زنان، متهمان، محکومین و همچنین صیانت از حقوق شهروندان به خوبی نشان می‌دهد که نیروی انتظامی در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با به کارگیری اصول مزبور، باعث حفظ و ارتقای حقوق شهروندی گردد. علاوه بر این، منشور حقوق شهروندی که در ۱۲۰ ماده در سال ۱۳۹۵ توسط رئیس جمهوری ابلاغ شده است، به خوبی می‌تواند زمینه ساز تحقق حقوق شهروندی توسط نیروی انتظامی گردد. اصول بیان شده ناظر بر دو بعد سلبی و ایجابی رفتارهای نیروی انتظامی است که می‌تواند تحت عنوان بایدها و نبایدها مطرح شود. بنابراین حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران می‌تواند توسط نیروی انتظامی و با رعایت حفظ حریم خصوصی شهروندان و توجه به اصول و ضوابط کلی نظام جمهوری اسلامی ایران عملی شود. ضمن این که اصل مهم در این زمینه پیدا کردن ضمانت اجرایی برای اصول یاد شده در قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات مصوب است تا از این طریق بتوان نقشه راه مطمئنی برای صیانت از حقوق شهروندان فراهم آورد.

منابع

- بشیریه، حسین (۱۳۸۶)، عقل در سیاست، سی و پنج گفتار در فلسفه سیاسی، جامعه شناسی و توسعه سیاسی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۲)، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حبیبزاده و فرجیور اصل مرندی، توکل و علی اصغر (۱۳۹۵)، کرامت انسانی و ابتدای حقوق بشری و شهروندی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۱، دوره ۴۶.
- حسینی، ابراهیم (۱۳۸۵)، نظام حقوقی اسلام، مجله معرفت، شماره ۱۰۶.
- رضایی و بالایی، مهدی و حمید (۱۳۹۵)، امنیت و حقوق شهروندی؛ تقدم یا تأخر، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره سی ام.
- عبدالملکی و داوری، حجت‌الله و مرضیه (۱۳۸۸)، مطالعه تطبیقی نظام عادلانه اقتصادی در ساختار حقوقی جمهوری اسلامی ایران، مجله برداشت دوم، مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری.
- علیدوستی، ناصر (۱۳۸۸)، پلیس و آموزش حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، شماره دوم، شماره مسلسل 44
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۸)، تأثیر رسانه بر رفتار انتخاباتی، نشریه پژوهشهای ارتباطی، شماره ۵۷، ص ۱۷۴-۱۵۷
- فیروزیان حاجی، ابراهیم (۱۳۹۷)، اصل برائت و حقوق شهروندی و ریشه های آن، پژوهش دینی، شماره 36، صص



- کرم زاده و عرفانی، اسماعیل و سهراب (۱۳۹۶)، الگوی تعامل پلیس و رسانه های ارتباط جمعی در پیشگیری از وقوع جرم و نقش آن در احساس امنیت، فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، صص ۸۱-۱۰۷
- گای، ماری (۱۳۹۱)، شهروندی در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه عباس باقری، چاپ دوم، تهران: نشر فرزانه روز
- نظیفی، عباس، جمشیدیها، غلامرضا و عزیزآبادی فراهانی، عباس، حسین (۱۳۹۶)، بررسی راهکارهای توانمندسازی ضابطین در رعایت حقوق متهمین با رویکرد جرم شناسی، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال دهم، شماره اول، صص 195-173.
- موسوی، سید یعقوب (۱۳۸۰)، تحول حقوق شهروندی به سوی انتظام شهری، فصلنامه دانش انتظامی، سال سوم، شماره ۴، زمستان.